

## باب بیستم

## در جواز اصغاء نغمات اوتار و الحان

## در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"اَنَا حَلَّلْنَا لَكُمْ اصْغَاءَ الْأَصْوَاتِ وَ النَّغْمَاتِ أَيَاكُمْ أَنْ يَخْرُجَكُمْ الْأَصْغَاءُ عَنْ شَأْنِ الْأَدَبِ وَ الْوَقَارِ. افْرَحُوا بِفَرْحِ اسْمِي الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَوَلَّيْتِ الْأَفْنَدَةَ وَ انْجَذِبْتِ عَقُولَ الْمُقَرَّبِينَ. اَنَا جَعَلْنَاهُ مَرْقَاةً<sup>1</sup> لِعُرُوجِ الْأَرْوَاحِ إِلَى الْأَفْقِ الْأَعْلَى لَا تَجْعَلُوهُ جَنَاحَ<sup>2</sup> النَّفْسِ وَ الْهَوَىٰ أَيْ اَعُوذُ أَنْ تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ." (بند ۵۱)

حضرت عبدالهءاء جلّ ثنائه در لوح لویز وایت<sup>3</sup> شیکاگو میفرمایند:

"ایمرغ خوش الحان ، جمال ابی در این دور بدیع حجات اوهام را خرق نموده و تعصبات اهالی شرق را ذمّ و قدح فرموده. در میان بعضی از ملل شرق نغمه و آهنگ مذموم بود ولی در این دور بدیع نور مبین در الواح مقدّس تصریح فرمود که آهنگ و آواز رزق روحانی قلوب و ارواح است. فنّ موسیقی از فنون ممدوحه است و سبب رقت قلوب مغمومه. پس ای شهناز باوازی جانفزا آیات و کلمات الهیه را در مجامع و محافل باهنگی بدیع بنواز تا قلوب مستمعین از قیود غموم و هموم آزاد گردد و دل و جان بهیجان آید و تبتّل و تضرّع بملکوت ابی کند و علیک الهءاء الأبئی. عع"

## و در لوح تنزیه و تقدیس فرموده اند قوله العزیز:

"مانند الحان بدیع و آهنگ خوش هر چند اصوات عبارت از تموجات هواییه است که در عصب صماخ گوش تأثیر نماید و تموجات هوا عرضی از اعراض است که قائم بهوا است با وجود این ملاحظه مینمائید که چگونه تأثیر در ارواح دارد. آهنگ بدیع روح را طیران دهد و قلب را باهتزاز آرد...."

## و در لوح معلّم میفرمایند قوله العزیز:

<sup>1</sup> مرقاة: نردبان

<sup>2</sup> جناح: بال و پر

<sup>3</sup> لویز وایت ملقبه بشهناز خانم آثار گرانبها و روح افزایش در مجلّات نجم باختر موجود است. برای اطلاع بصفحه ۹۱ شماره سوّم از مجلّد ۲۱ نجم باختر مورّخه جون ۱۹۲۰ در تحت عنوان ("Songs Of The Spirit" نغمه های روح) و سایر شماره ها از دیگر مجلّداتش مراجعه شود.

"ای بارید الهی، هر چند سلف در فنّ موسیقی مهارتی نمودند و الحانی بدیعه بسرودند شهیر آفاق گشتند و سرور عشاق ابیات عاشقانه بالحن بیات بنواختند و در انجمن عالم نوائی بلند نمودند و در صحرای فراق باهنگ حجاز ولوله در عراق انداختند ولی نغمه الهی را تأثیری دیگر و آهنگ آسمانی را جذب و ولهی دیگر. در اینعصر طیور انس در حدائق قدس باید آواز و شهنازی بلند کنند که مرغان چمن را بوجد و پرواز آرند و در این جشن و بزم ربّانی چنان عود و رودی بسرود آرند و چنگ و چغانه بنوازند که شرق و غرب را سرور و شادمانی دهند و حبور و کامرانی بخشند. حال تو آهنگ آن چنگ را بلند کن و سرود آن عود بزن که بارید<sup>4</sup> را جان بکالبد دهی و رودکی<sup>5</sup> را آسودگی بخشی فاریابی<sup>6</sup> را بیتاب کنی و ابن سینا<sup>7</sup> را بسینای الهی دلالت نمائی و علیک التّحیّة و الثّناء. عع"

و نیز در لوح معلّم<sup>8</sup> مزبور فرموده اند قوله جلّ ثنائه:

"هو الأبهی ای عبد بهاء موسیقی از علوم ممدوحه درگاه کبریاست تا در جوامع کبری و صوامع عظمی بابع نغمات ترتیل آیات نمائی و چنان آهنگی از مشرق الاذکار بلند کنی که ملأ اعلی باهتزاز آید. ملاحظه کن که نظر باین جهة فنّ موسیقی چه قدر ممدوح و مقبول است. اگر توانی الحان و ایقاع و مقامات روحانی را بکار بر و موسیقی ناسوتی را تطبیق بر ترتیل لاهوتی کن. آنوقت ملاحظه فرمائی که چه قدر تأثیر دارد و چه روح و حیات رحمانی بخشد. نغمه و آهنگی بلند کن که بلبان اسرار را سرمست و بیقرار نمائی و علیک التّحیّة و الثّناء. عع"

<sup>4</sup> بارید مطرب خسرو پرویز بوده و رفیق نکبسا است که در فنّ موسیقی و اختراع الحان هر دو را مهارتی بسزا بوده است. بارید مرد و نکبسا زن بوده. در السنه شعراء و تواریخ می و یک لحن بارید معروف است و اسامی الحان مزبوره را حکیم نظامی گنجوی در مثنوی خسرو شیرین خود که از کتب خمسه اوست در ضمن ابیات متعدده ذکر کرده آنجا گوید "در آمد بارید چون بلبیل مست گرفته بریطی چون آب در دست" الخ  
<sup>5</sup> رودکی از شعراء دوره سامانیانست. گویند نابینا بوده و در فنّ موسیقی مهارتی داشته. در وطن و سال وفات و وجه شهرتش برودکی اختلافست. برای تفصیل بتذکرهها مراجعه شود

<sup>6</sup> فاریابی ابونصر محمد ابن ترخان ملقب بمعلّم ثانی معاصر المقتدر بالله عبّاسی در سنه ۳۴۴ هجری در بین راه مگه بدست دزدان مقتول شد. شرح حال و اشعارش در تذکرهها موجود و تألیفاتش مطبوع و منتشر است. داستانهائی بوی نسبت میدهند که خالی از اغراق نیست  
<sup>7</sup> ابو علی سینا معروفتر از آنست که محتاج بذکر باشد. قبرش در همدان و شرح حال و تألیفاتش در کتب و تواریخ و تذکرهها موجود است و قطعه ذیل راجع بوی گفته شده است: حجّة الحقّ ابو علی سینا در شجع آمد از عدم بوجود (۳۷۳). در شصا (۳۹۱) کرد کسب جمله علوم در تکز (۴۲۷) کرد اینجهان بدرود

<sup>8</sup> مقصود جناب ملأ علی معلّم اطفال مرحوم سمندر است. جناب معلّم از جمالقدم و حضرت عبدالبهاء الواح بسیار دارد و جمالبارک جلّ جلاله یکتوب عبای ممتاز عالی برسم خلعت باو عنایت فرمودند که در لوحش ذکر شده است. علیه رضوان الله

